

درضیافت ضریح

پژوهشی درباره‌ی زیارت اهل بیت علیهم السلام

دکتر سید محمد کدبنی هاشمی

به قلم: بعید مقدّس

سرشناسه: بنی هاشمی، محمد، ۱۳۳۹
 عنوان و پدیدآور: در ضیافت ضریح: پژوهشی درباره‌ی زیارت اهل بیت علیهم‌السلام
 محمد بنی هاشمی؛ به قلم سعید مقدس.
 مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۵
 مشخصات ظاهری: ۴۷۶ ص.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۰۱۹-۶
 یادداشت: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. فیبا [۴۶۹] - ۴۷۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 عنوان دیگر: پژوهشی درباره‌ی زیارت اهل بیت علیهم‌السلام
 موضوع: زیارت، احادیث، آداب و رسوم احادیث.
 شناسه افزوده: مقدس، سعید، ۱۳۵۸
 رده‌بندی کنگره: ب ۹۳ ز ۵ / ۱۴۱ BP
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۲۱۸
 شماره کتابخانه ملی: ۲۲۳۲۷ - ۸۵ م



شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۰۱۹-۶ ISBN 978-964-539-019-6

در ضیافت ضریح
 مؤلف: دکتر سید محمد بنی هاشمی
 به قلم: سعید مقدس
 ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
 نوبت چاپ: سوم / ۱۳۹۹
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 چاپ: صبا / صحافی: امیرکبیر

وب سایت: <http://www.monir.com>
 پست الکترونیک: info@monir.com

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۴)
 ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)



در ضیافت ضریح * ۳

دیگر مراکز بخش: نشر نیک معارف: ۶۶۹۵۰+۱۰ * نشر رایحه: ۸۸۹۷۶۱۹۸
نمایشگاه کتاب اعراف: ۲۲۲۰۸۵۲۹ * بخش آینه: ۳۳۹۳۰۴۹۶

<https://entezarschool.ir>



@entezar_school

<https://entezarschool.ir>



@entezar_school

این وجیزه‌ی ناچیز را
از جانب جان‌نثار امیرمؤمنان
و مرزبان کم‌نظیر حکیم تشیع
مرحوم علامه شیخ عبدالحسین امینی نجفی
به خاک پای آسمان سای سیده‌ی دوسرا
و بانوی دردانه‌ی آسمان و زمین
بی بی بهار، حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها
تقدیم می‌داریم.



<https://entezarschool.ir>



@entezar_school

فهرست مطالب

پیش‌نهاد	۱۵
به قدر یک نثر با میزبان	۱۹

معرفت

فصل ۱- معرفت به مزور	۲۳
نقش معرفت در زیارت	۲۳
زیارت در آینه‌ی وحی	۲۴
بحث زیارت در کتاب بحار الانوار	۲۷
یکسانی حرمت و ثواب زیارت معصومین، در زمان مرگ و حیات	۲۹
نشانه‌های عظمت بیوت پیامبر (قبور معصومین)	۳۵
فصل ۲- معرفت به زیارت	۳۹
حقیقت دینداری	۳۹
طریقت معرفت ائمه‌السلام	۴۴
موضوعیت معرفت ائمه‌السلام	۴۷



۵۱ حقیقت زیارت

فصل ۳- معرفت به آثار زیارت

۶۱ اهمیت تفقه و نقش آن در زیارت

۶۳ برخی از آثار دنیوی زیارت

۶۳ وسعت رزق در اثر زیارت

۶۴ طول عمر در اثر زیارت

۶۵ بر آورده شدن حاجات در اثر زیارت

۷۲ استقبال و مشایعت ملائک در هنگام زیارت

۷۳ عنایت معصومین به زوارشان در هنگام زیارت

۷۴ آسان شدن سكرات مرگ در اثر زیارت

۷۸ بخشایش گناهان در اثر زیارت

۸۳ بخشایش گناهان اثری بنیادین

۸۴ کاسته شدن رزق بر اثر گناهان

۸۴ کوتاهی عمر در اثر گناهان

۸۵ رفع نشدن حاجتها در اثر گناهان

۸۶ محرومیت فرد گناهکار از عنایت اهل بیت (علیهم السلام)

۸۹ سخت جان دادن در اثر گناهان

۹۰ آثار اخروی زیارت

۹۱ همراهی ملائک پس از مرگ، تسهیل فشار قبر و سؤال و حساب در اثر زیارت

۹۲ سعادت در مواقع مختلف قیامت

۹۵ شفاعت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در اثر زیارت

۹۹ زیارت و لقاء خداوند متعال

۱۰۲ غفران گناهان در اثر زیارت

۱۰۲ عفو از گناهان اثری بنیادین



۱۰۳	گناه، باعث فشار قبر و عذاب در عالم برزخ
۱۰۶	گناه، منشأ دشواریهای قیامت
۱۰۷	گناه، آزار دهندهی ائمه‌السلام در راه شفاعت
۱۱۰	اثر گناه: محرومیت از دیدار اهل بیت در بهشت
۱۱۲	بخشش گناهان از سوی پروردگار و تأثیر آن
۱۱۲	یادآوری گناهان: گام نخست
۱۱۴	پیشانی و پشیمانی: گام دوم
۱۱۴	پناه بردن به امام: گام سوم
۱۱۵	استغفار: گام چهارم
۱۱۸	زیارت: بهانه‌ای نیکو برای پاک شدن از گناهان

نیت و نیت

۱۲۵	فصل ۱- نیت
۱۲۵	اهمیت نیت
۱۲۸	رابطه‌ی نیت و معرفت
۱۳۰	نقش نیت و رابطه‌ی آن با معرفت در زیارت
۱۳۵	تحلیل رابطه‌ی قصد قربت با زیارت
۱۳۸	قصد قربت و نیت‌های دیگر
۱۴۰	زیارت با قصد قربت و بدون قصد قربت
۱۴۰	حالات زیارت بدون قصد قربت
۱۴۲	حالات زیارت با قصد قربت
۱۴۷	مراتب زیارت با قصد قربت
۱۴۷	حاجات دنیوی



۱۴۸	 حاجات اخروی
۱۵۴	 زیارت به نیت ابراز محبت به اهل بیت
۱۵۶	 زیارت مشتاقانه و اثر آن
۱۵۸	 زیارت به نیت شکر، جلوه‌ای دیگر از قصد قربت
۱۶۰	 توجه به شکر ایادی نعمت در زیارت
۱۶۲	 زیارت به نیت عرض عبودیت به امام (ع)
۱۶۷	 معرفت و محبت به امام عصر (ع): زمینه‌ساز یادآوری ایشان در
۱۶۷	 حین زیارت
۱۷۱	 نیت عرض ارادت به امام عصر (ع)، بالاترین مصداق قصد قربت
۱۷۲	 زیارت، نعمتی حواله شده از سوی امام عصر (ع)
۱۷۷	 فصل ۲- همت
۱۷۷	 معنا و اهمیت همت
۱۷۹	 عنایت امام عصر (ع) به اهل همت زیارت سیدالشهداء (ع)

آداب و اعمال زیارت

۱۸۷	 فصل ۱- آداب زیارت
۱۸۷	 لزوم رعایت ادب در پیشگاه معصومین
۱۸۹	 ادب نخست: غسل
۱۸۹	 غسل واجب
۱۹۰	 غسل زیارت
۱۹۳	 ادب دوم: اذن دخول
۲۱۴	 ادب سوم: آستان‌بوسی
۲۱۶	 ادب چهارم: طواف

۲۲۲	ادب پنجم: فرو بردن صدا
۲۲۵	ادب ششم: نماز اوّل وقت مقدّم بر زیارت
۲۲۹	آداب عرفی زیارت
۲۳۰	آداب زیارت به نقل از مرحوم شهید اوّل
۲۳۳	ادب بانوان زائر

فصل ۲- اعمال ۲۴۳

۲۴۴	گونه‌های متون زیارت
۲۴۴	زیارات جامعه
۲۴۷	زیارات غیر جامعه
۲۴۹	شکر، عملی زیبا در حین زیارت
۲۵۳	شکر ایادی نعمت، لازمه‌ی شکر پروردگار
۲۵۵	امام عصر علیه السلام سر سلسله‌ی ایادی
۲۵۷	سخن گفتن با امام علیه السلام : عملی شایسته در اثنای زیارت
۲۶۰	توسّل و دعا: دو عمل والا در جریان زیارت
۲۶۰	دعا و زیارت
۲۶۶	توسّل و زیارت
۲۶۷	نوع اوّل توسّل: درخواست از خداوند به حقّ امام علیه السلام
۲۶۸	نوع دیگر توسّل: درخواست از خود امام علیه السلام
۲۷۳	عملی دیگر: نماز زیارت و نماز جعفر طیار

فصل ۳- زیارت به نیابت ۲۷۵

۲۷۶	نیابت در تصدّق و نماز مستحبّی
۲۸۰	نیابت در حج و طواف
۲۸۳	نیابت در زیارت مشاهد مشرفه

قبولی

فصل ۱- اہمیت و معنای قبولی عبادت ۲۹۱

۲۹۱ اہمیت قبولی عبادت

۲۹۴ معنای قبولی

فصل ۲- مقتضیات قبولی در فاعل ۲۹۹

۲۹۹ معرفت

۳۰۰ تقوی

۳۱۲ حُسن خلق و حلم

۳۱۵ عقل

فصل ۳- مقتضیات در فعل ۳۱۹

۳۱۹ اخلاص

۳۲۰ عمل صالح و عمل احسن: همان عمل خالص

۳۲۴ معنای خشیت و لوازم آن

۳۲۵ نیت صادق، عمل احسن و رابطہی آن دو با خشیت

۳۲۷ تعریف اخلاص در فرمایش امام صادق (ع)

۳۲۸ انگیزہ‌های ریا و عقاب آن

۳۳۰ غالب اعمال: اعمال ریاکارانہ

۳۳۳ نشانہ‌های ریاکاران

۳۳۵ برخی از انواع ریای مبطل عمل و رابطہی صحت و قبولی

۳۳۷ حقیقت اخلاص به چیست؟

۳۳۸ اخلاص چگونه با سرور از عمل، قابل جمع است؟

۳۴۱ داستان از اخلاص مرحوم شیخ عباس قمی



۳۴۲	داستانی از اخلاص مرحوم حاج مقدّس
۳۴۳	اخلاص و مذمت نفس
۳۴۴	لازمه‌ی اخلاص: بی‌اعتنایی به غیر خدا
۳۴۶	قبولی عمل: ثمر انقطاع از خَلق و خلوص
۳۴۷	عزّت دنیوی: ثمره‌ی اخلاص
۳۴۸	کفایت پروردگار: ثمره‌ی اخلاص
۳۵۰	اخلاص، برخاسته از عقل و رساننده به مطلوب
۳۵۲	ثمر اخلاص: جلوه کردن عمل صالح
۳۵۵	ملاک اخلاص و قبولی: روح و باطن عمل
۳۵۸	ذمّ نفس، راهکار خضوع برابر خدا
۳۵۹	تقوا

فصل ۴۹- موانع قبولی عمل

۳۶۵	موانع بیرونی قبولی عمل
۳۶۶	عدم تقوی و امانت‌داری: مانع قبولی نماز
۳۶۷	کمترین اهانت به والدین و نماز نامقبول
۳۷۰	غیبت: دیگر مانع قبولی نماز
۳۷۲	حقّ النَّاس: سدّ قبولی نماز
۳۷۴	استخفاف نماز: مخلّ قبولی آن
۳۷۵	عدم حضور قلب: عامل مردود شدن نماز
۳۷۹	نارضایی شوهر از همسر: عامل نامقبول گردیدن نماز زن
۳۸۲	شروط دیگر قبولی نماز در حدیث قدسی
۳۸۴	موانع درونی قبولی عمل
۳۸۶	ریا: عامل ردّ عبادت از درگاه الهی
۳۸۹	تبیّت سوء نسبت به برادر مؤمن: باعث پذیرفته نشدن عبادت
۳۹۳	گناهان زبان: موانع جدّی قبولی عمل
۳۹۴	



۳۹۶	حرام خواری: مایه‌ی ردّ عمل از سوی خداوند
۳۹۹	عُجب: مانع قبولی عمل
۴۱۳	خود اتّکایی در رأی و نظر: مصداق عُجب
۴۱۸	مانع دیگر قبولی اعمال: خروج از ایمان

فصل ۵- احباط عمل

۴۲۳	حبّ دنیا: سبب حبط
۴۲۳	کبر: عامل نابودی ثواب
۴۲۸	مشغولیّت به شهوت جنسی حرام: باعث محو حسنات
۴۳۰	ظلم به اجیر، سبب نابودی عمل
۴۳۳	کینه‌توزی و خرد کردن شخصیت مؤمن: نابودگر عمل
۴۳۳	عُجب: عامل احباط عمل
۴۳۶	غیبت: نابودگر عمل
۴۳۸	ادّعای بی‌پایه، اطمینان بی‌پشتوانه و حبط عمل
۴۳۸	پناهندگی به پروردگار از حبط اعمال، در آینده‌ی ادعیه‌ی مأثور

فصل ۶- بارش فضل الهی بر کوی دست‌های خالی

۴۴۵	اهمّیت و حسّاسیّت قبولی عمل
۴۴۵	فضل: عطایی فراتر از قاعده
۴۵۵	معنای فضل الهی
۴۵۵	فضل الهی نقطه‌ی امید دست‌های خالی
۴۵۶	هوشیاران و عدم اتّکا به عمل خویش
۴۵۸	فضل الهی؛ تنها نقطه‌ی امید
۴۵۹	فضل الهی: تحفه‌ای از آن اهل زیارت
۴۶۰	امام عصر (علیه السلام): مظهر فضل و رحمت الهی
۴۶۴	دعا برای تعجیل در فرج و سلامتی امام عصر (علیه السلام): از بهترین
۴۶۷	راه‌های دست یازیدن به دامن فضل الهی



پیش‌نهاد

بأبی انتم و امی یا آل المصطفی ﷺ إِنَّا لَا نَمْلِكُ إِلَّا أَنْ نَطُوفَ حَوْلَ مَشَاهِدِكُمْ...^۱
پدر و مادرم فدای شما ای آل مصطفی، حداکثر دارایی ما این است که برگرد قبرهای
شما طواف کنیم...

کسی که به بنده بودن خود در پیشگاه الهی معتقد شده باشد، به خوبی می‌فهمد که هیچ
عمل قابل عرضه‌ای که با انجام آن، حق عبودیت خداوند را ادا کند؛ در اختیار ندارد. به
همین جهت است که به هیچ یک از اعمال خود تکیه و اعتماد نمی‌کند، بلکه تنها و تنها به
فضل خداوند امید می‌بندد تا او را نجات بخشد و به سعادت ابدی برساند.

اما «فضل» الهی تجلیات مختلفی دارد که همه‌ی آنها به برکت وجود آل محمد ﷺ به
خلایق می‌رسد و در این میان زیارت این چهارده نور پاک و مطهر، جایگاه ویژه و
منحصر به فردی دارد، آن‌گونه که می‌توان آن را از بالاترین سرمایه‌های نجات دانست.^۲
زیارت ضریح^۳ ایشان ضیافتی است الهی که بهره‌ی هر زائری از آن بستگی به چهار

۱. عبارتی از زیارت جامعه‌ی ائمة المؤمنین، بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۶۷.

۲. زیارت به معنای دیدار است و شامل دیدار مزور (زیارت شده) در حال حیات و مرگ او
می‌شود و پس از مرگ، اعم از رفتن بر سر مزار یا زیارت او از راه دور است.

۳. در لغت عرب، ضریح به معنایی اعم از آن‌چه امروزه متداول است استفاده می‌شود و

✍



مؤلفه‌ی بنیادین دارد و بررسی هریک از این مؤلفه‌ها بخشی از ره‌آورد حاضر را تشکیل می‌دهد:

۱ - معرفت: این مرحله نخستین گام در طریق زیارت است و روح و جان عمل زائر محسوب می‌شود. این معرفت، متعلّق‌های متعدّدی دارد که از آن جمله‌اند: معرفت به مزور، معرفت به زیارت و معرفت به آثار و برکات آن. هریک از این معرفت‌ها به‌طور جداگانه، در طّی سه فصل بخش اوّل مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۲ - نیت و همّت: در گام دوم اهمّیّت نیت و رابطه‌ی آن با معرفت، ابتدا به‌طور عام و سپس در خصوص زیارت کاویده شده و آنگاه حالات مختلف زیارت با قصد قربت و بدون آن مورد بررسی قرار گرفته است. همه‌ی این‌ها به‌علاوه‌ی توضیح جلوه‌های مختلف نیت در زیارت، فصل اوّل این بخش را تشکیل می‌دهند. پس از تحقّق نیت - که خود عمل اختیاری قلبی است - نوبت به فراهم آوردن مقدّمات عملی زیارت می‌رسد که در فصل دوم تحت عنوان «همّت» از ارزش و اهمّیّت آن سخن گفتیم.

۳ - آداب و اعمال: گام بعدی در زیارت، رعایت آداب و اعمالی است که زائر به دلالت عقل و وحی در می‌یابد. موضوع سخن در فصل اوّل از این بخش، همین آداب

استعمال آن در معنای «الشَّقُّ فی وسط القبر» یا «القبر کله» - شکاف میان قبر یا همه‌ی قبر - شایع است (لسان العرب ج ۲، ص ۵۲۶، ماده‌ی ضرح) معنای «مصدر» آن (ضرح) نیز مؤید این معناست چنانکه گفته‌اند: «الضَّح: حَفَرُكَ الضَّرِیحَ لِلْمِیْتِ وَهُوَ قَبْرٌ بِلَا لَحْدٍ» «ضرح به معنای کندن توست «ضریح» را برای مرده و آن (ضریح) قبری است بدون لحد» (کتاب العین ج ۳، ص ۱۰۳) یا آن‌که گفته‌اند: «الضَّح: الشَّقُّ» (ضرح یعنی شکافتن) یا گفته‌اند: «کُلُّ مَا شُقُّ فَقَدْ ضُرِحَ» (هرچه شکافته شود، ضُرح درباره‌ی آن به کار می‌رود) در معنای فعل «ضرح» نیز چنین آمده است: «ضَرَحَ الضَّرِیحَ لِلْمِیْتِ، یَضْرَحُهُ ضَرَحًا: حَفَرَ لَهُ ضَرِیحًا. قَالَ الْأَزْهَرِيُّ: سُمِّيَ ضَرِیحًا لِأَنَّهُ یُسْقَى فِی الْأَرْضِ شَقًّا» (لسان العرب ج ۲، ص ۵۲۶، ماده‌ی ضرح) «ضریح» برای مرده، کند: قبری برایش کند. ازهری گفته: [ضریح]، ضریح نامیده شده چون در زمین شکاف ایجاد می‌شود. ما نیز در عنوان کتاب و در اینجا، «ضریح» را اعم از سازه‌های فلزی و قبر گرفته‌ایم.

زیارت است. دومین فصل به بررسی برخی از محورهای مهم و زیبا در زیارت‌های مأثور اهل بیت علیهم‌السلام اختصاص یافته است و در آخرین فصل این بخش به کاوش درباره‌ی «زیارت به نیابت» پرداخته‌ایم.

۴- قبولی: بی‌تردید قبولی زیارت بیشترین دغدغه‌ی یک زائر آگاه راتشکیل می‌دهد و همه‌ی امید او از زحمتی که در این مسیر متحمل شده در این آرمان، تجلی می‌یابد. این شاخصه‌ی حساس در هر عبادتی مطرح است و اختصاص به زیارت ندارد. بنابراین شایسته است که به طور مطلق مورد بررسی قرار گیرد. بخش چهارم این کتاب به این مهم اختصاص یافته است که نوعاً در مقوله‌ی زیارت کمتر مورد عنایت قرار می‌گیرد. نظر به اهمیت شایان این بحث و نیز غفلت غالب افراد از آن در نوع عبادات، خصوصاً زیارت اهل بیت علیهم‌السلام، حجم این بخش، مفصل‌تر از سایر بخش‌ها شده است. محتوای بخش پایانی کتاب، مستقل از بحث زیارت قابل مطالعه و پیگیری است و از خوانندگان محترم استدعا می‌شود که توجه افزونی به این قسمت مبذول فرمایند. مطالبی که در طی شش فصل از این بخش ارائه شده، می‌تواند اخلاق و رفتار زائر را به کلی متحول سازد و به همین جهت، سازنده‌ترین بعد زیارت را مبانی و راهکارهای قبولی آن، تشکیل می‌دهد. لازم به تذکر است که مطالب این کتاب به صورت تدریس در طول دو سال مطرح گردیده و سپس با همت مخلصانه‌ی جناب آقای سعید مقدس - که هنر زیبایی قلم را با محبت وافر به حضرات معصومین علیهم‌السلام به هم آمیخته است - به صورت نوشتار حاضر درآمده است.

این تلاش ناچیز عرض ارادت ناقابلی است از جانب کسانی که خود را حقیقتاً دست خالی و فقیر درگاه اهل بیت علیهم‌السلام می‌بینند و بر این باورند که تنها سرمایه‌ی عمرشان محبت به این ذوات مقدس است که گاه و بیگاه باچنگ زدن به ضریح یکی از ایشان یا زانو زدن در کنار مزارشان تجلی می‌یابد.

امیدوارم خدای منان، اجر و پاداش زائران با اخلاص اهل بیت را تعجیل در دیدار همه‌ی عالمیان با جمال بی‌بدیل تنها باقیمانده‌ی خاندان عصمت و طهارت قرار دهد؛ تا



همگان حُسن حَسَن علیه السلام را در روی و خوی وجود مقدس بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه تماشا کنند و به لطف التفات آن عزیز، مزار گمشده‌ی مادر مظلومش، آشکارا عیان گردد.

اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا
 اللَّهُمَّ وَكُنِ الثَّائِرَ لَهَا بِدَمِ أَوْلَادِهَا
 اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَيْمَةِ الْهُدَى وَحَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ الْكَرِيمَةِ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى،
 فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمِّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم
 وَ تُقَرِّبُهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا
 وَ أَبْلِغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ.^۱

سید محمد بنی هاشمی
 سالروز میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام
 نیمه‌ی رمضان المبارک ۱۴۲۷
 پاییز ۱۳۸۵

۱. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۷۴ به نقل از جمال الاسبوع.



به قدر یک نثر با میزبان

... مولای! وَقَفْتُ فِي زيارَتِكَ مَوْفَقَ الْخاطِئِينَ النَّادِمِينَ الْخائِفِينَ مِنْ عِقَابِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَ قَدْ اَتَكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ وَ رَجَوْتُ بِمُؤَالَاتِكَ وَ شَفَاعَتِكَ مَحَوَ ذُنُوبِي وَ سَتَرْتُ
عُيُوبِي وَ مَغْفِرَةً زَلَلِي...^۱

مهربان محبوب!

چشمی را که به شوق رؤیت تو باریده و پایی را که به آرزوی دیدار تو دویده، دریاب!
قلبی را که با محبت تو خو گرفته و جانی را که از غلامی در گه تو آبرو گرفته، یار باش! از
سفیر تو - جناب محمد بن عثمان - شنودیم که:

«تَوَجَّهْ إِلَيْهِ بِالزِّيَارَةِ...»^۲

اما ندانستیم در کدام خانه را بگوئیم، نیمه شب راه کدام زیارتگاه را بگیریم تا به
پابوسیات برسیم. ندانستیم کجایی، تا دورت طواف کنیم و لب به آستانه‌ی سرایت
بگذاریم. به مانگفتند نشان خیمه‌ات را تا با ادب بر درش بایستیم، سر به زیرافکنیم و
شرمنده از تقصیر برای ورود اجازه طلبیم. ما در حسرت دیدار با تو - ای مزور^۳

۱. زیارت امام عصر (عج) در سرداب مطهر، بحار الانوار ج ۱۰۲، ص ۱۱۸، به نقل از شیخ

مفید، شهید اول و مزار کبیر.

۲. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۷۴.

۳. فرد زیارت شده و دیدار گشته.



زمزمه‌های آل یاسین! - بارها رو به قبله ایستاده‌ایم و سلام گفته‌ایم، اما دریغ‌اکه هیچگاه کوله‌بار لیاقت نیاورده‌ایم تا سوغات سعادت ببریم. دریغ‌اکه چشمهای ما همچنان پشت حجاب جلال تو معطل مانده‌اند و مژگانهای ما برای غبار روبی از دامانت حسرت به دل نشسته‌اند...

عزیز دل! ای صاحب ما!

آن دم که پای به روضه‌ی نبوی نهادیم، وقتی گرد غربت زده‌ی بقیع به پلک‌هایمان گذاردیم، سحری که زیر قبه‌ی سامیه‌ی سید الشهداء نفس کشیدیم، غروبی که در ملکوت ایوان نجف پر گرفتیم، هنگامی که جان در صفای سرداب شستیم، همه‌اش پی تو بودیم؛ از آن رو که دستان تهی و پاهای خسته و جانهای آلوده‌مان جز به لطف عنایت تو روی غنا و سلامت و طهارت نمی‌دید. اکنون که عزم زیارت کرده‌ایم تا از تو توشه برداریم، به حرمانمان مگداز و در ضیافت ضریح چشمانت پذیرایمان باش! ...



بخش ۱

معرفت



چکیده

در فصل اول از این بخش بر آنیم تا دریابیم به عنوان زائر، راهی چگونه مکانهایی هستیم تا با شناخت شکوه آن‌ها، معرفت بیشتری به صاحبان آن خانه‌ها کسب کنیم و تلقی خود را از زیارت ایشان تعمیق بخشیم. به علاوه به بررسی ابعاد این عظمت خواهیم پرداخت و یکسانی حرمت و زیارت امام را در زمان حیات و مرگ ایشان تحلیل خواهیم کرد. در فصل دوم تحت عنوان معرفت به زیارت، به توضیح جایگاه زیارت در دین خواهیم پرداخت و پیش از آن به عنوان مقدمه در مورد تلقی صحیح از دین، جایگاه معرفت به اهل بیت و پایه‌های آن، به تفصیل سخن خواهیم گفت. در نهایت به تبیین حقیقت زیارت در چنین فضایی از معرفت به اهل بیت، می‌پردازیم.

فصل سوم به معرفت به آثار زیارت اختصاص دارد. در این فصل ابتدا معرفت به آثار زیارت را زمینه ساز تفقه در مسأله‌ی زیارت بر می‌شمريم و سپس به بررسی برخی آثار دنیوی و اخروی آن می‌پردازیم. نیز اثر «عفو از گناهان» را که به دنبال زیارت به ما بشارت داده شده، در دنیا و آخرت به عنوان فضیلتی بنیادین تلقی خواهیم کرد و آن را محور سایر آثار زیارت خواهیم دانست و در نهایت علاوه بر این بُعد به بررسی نقش توبه و انابه - در هنگام تصمیم‌گیری به رفتن زیارت- می‌پردازیم.



فصل ۱

معرفت به مزور

نقش معرفت در زیارت

مقوله‌ی معرفت، از پایه‌ای‌ترین و مهم‌ترین مفاهیمی است که تأثیرگذاری زیارت را تضمین می‌کند. کسی که گوهر معرفت را به همراه نداشته باشد، از دیدار و زیارت معصومین ثمری نمی‌چیند و بهره‌ای نمی‌برد. زیارت و بلکه هیچ عملی بدون معرفت ارزشی ندارد و مقبول درگاه الهی نمی‌افتد؛ چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ^۱

خداوند هیچ عملی را بدون معرفت پذیرا نمی‌شود.

اما وقتی درک عظمت مزور صورت گیرد و شرافت مزار او آشکار شود و ارزش روی آوردن به او هویدا گردد، اهمّیت و قدر زیارت خودنمایی می‌کند. به این ترتیب زائر با معرفت، با فراهم نمودن دیگر مقدمات قبولی زیارت به پذیرش آن و بهره‌برداری از آن امید می‌یابد. پس از این است که زائر، رخصت حضور یافتن در نزد امام را لطف و

معرفت، شرط
قبولی عمل

۱. اصول کافی، کتاب فضل العلم، باب من عمل بغير علم، ح ۲.

فضل الهی می‌شمرد، در پی آن نعمت بودن زیارت را در می‌یابد و سپس در پرتو نور عقل لزوم شکرگزاری در برابر آن را تصدیق می‌نماید و با قلب و زبان و عمل به شکر این نعمت اقدام می‌کند. در این فصل نخست به بررسی منزلت و شرافت مزار معصومین علیهم‌السلام در آینه‌ی قرآن و سنت خواهیم پرداخت و پس از آن در پی کسب معرفت به مزور به ابعادی از والایی مقام معصومین علیهم‌السلام اشاره خواهیم کرد تا با معرفت به مزار و مزور، گامهای نخستین را در شناخت قدر نامتناهی نعمت زیارت برداشته باشیم.

زیارت در آینه‌ی وحی

پیش از آن که بدانیم نزد که می‌رویم و در برابر چه عظمتی قصد زانو زدن داریم، باید در برابر این پرسش قدری تأمل کرد که پا به کجا می‌گذاریم. زیارتگاه - همان مرقد و صحن و سرای اهل بیت علیهم‌السلام - مکانی است مقدس و متبرک که به واسطه‌ی حضور بدن شریف معصوم علیه‌السلام در آن، اعتبار و عزت می‌یابد. خداوند متعال خانه‌ی امام را علو و برتری داده و مرقد او را محل تسبیح و تقدیس خود خواسته است. قرآن کریم به این حقیقت این گونه انگشت اشاره می‌گذارد:

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ^۱

بُیوت اهل
بیت علیهم‌السلام
خانه‌های بزرگ
داشته شده از
سوی خدا

در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده است که عالی مقام باشند و در

آن‌ها نام او یاد شود، صبحگاهان و شبانگاه در آن‌ها کسانی او را تسبیح می‌کنند که هیچ خرید و تجارتي از یاد پروردگار و به‌پاداشتن نماز و پرداخت زکات بازشان نمی‌دارد؛ می‌هراسند از روزی که دل‌ها و دیدگان در آن دگرگون می‌شوند.

برای شناخت مصادیق این خانه‌ها، به مفسران حقیقی قرآن - اهل بیت علیهم‌السلام - رجوع می‌کنیم:

امام باقر علیه‌السلام در معرفتی این مکانهای شریف می‌فرمایند:

هِيَ بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ بَيْتُ عَلِيٍّ مِنْهَا.^۱

آن‌ها خانه‌های پیامبران است و خانه‌ی علی در زمره‌ی آن‌هاست. وقتی در جستجو از معنای آیه‌ی شریفه از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیده می‌شود:

أَيُّ بَيْوتٍ هَذِهِ؟

این خانه‌ها کدامند؟

ایشان می‌فرمایند:

بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ.

خانه‌های پیامبران.

سپس در پاسخ به سؤال ابوبکر که می‌پرسد:

«آیا خانه‌های علی و فاطمه نیز از آن‌هاست»

بیان می‌دارند:

نَعَمْ مِنْ أَفْاضِلِهَا.^۲

آری از برترین‌های آن‌ها.

خانه‌ی علی و
فاطمه علیها‌السلام از
برترین
خانه‌های انبیا

۱. تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲. تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۵۳؛ این حدیث در تفاسیر اهل سنت هم نقل شده است:

شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۳۳، الذر المنثور، ج ۵، ص ۵۰.

نیز امام صادق علیه السلام خانه‌های بزرگداشته شده را این‌گونه معرفی می‌فرمایند:

هِيَ بُيُوتُ النَّبِيِّ^۱

آن [خانه‌ها] خانه‌های پیامبر اکرم است.

و امام رضا علیه السلام از آن‌ها چنین یاد می‌کنند:

بُيُوتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ثُمَّ بُيُوتُ عَلِيٍّ علیه السلام مِنْهَا^۲.

این خانه‌ها، خانه‌های محمد رسول خداست و از آن پس خانه‌های علی از جمله‌ی آن‌هاست.

خانه‌ی
پیامبر صلی الله علیه و آله
امیرالمؤمنین علیه السلام
مصدق آیه

بنابر اعتقاد ناب شیعی، خانه‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط آنجایی نیست که خود ایشان زندگی می‌کرده‌اند؛^۳ وقتی فرزندان معصوم نبی اکرم صلی الله علیه و آله هر یک جزئی از وجود او باشند، خانه‌های آن‌ها نیز خانه‌ی او خواهد بود. حرم و مرقد هر یک از ائمه‌ی معصومین علیهم السلام، بیتی از بیوت پیامبر و مصداق بارز آیه‌ی شریفه می‌باشد، چراکه جگرگوشه‌ی پیامبر را دربردارد و انوار نبوی از آن ساطع می‌شود. این حقیقت به زیبایی در زیارت جامعه - که خطاب به همه‌ی اهل بیت علیهم السلام می‌باشد - انعکاس یافته است:

خانه‌ی هریک از
ائمه، خانه‌ی
پیامبر

خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُم بِعَرْشِهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا
بِكُمْ فَجَعَلَكُم فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ^۴

آیه‌ی شریفه در
زیارت جامعه
کبیره

۱. تفسیر کنز اللقائق، ج ۹، ص ۳۱۴. کافی، ج ۸، ص ۳۳۲.

۲. تفسیر کنز اللقائق، ج ۹، ص ۳۱۴. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۳۵۹.

۳. البته، خانه‌های زنان پیامبر، تنها از جهت انتساب به وجود مبارک آن حضرت مصداق آیه‌ی مبارکه قرار می‌گیرد. بنابراین واضح است که اگر پس از پیامبر، حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط آنان حفظ نشود و درامانت نبوی خیانت کنند، شرافت خود و خانه‌هایشان را - از جهت انتساب به خودشان - به باد داده‌اند.

۴. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۸.



خداوند شما را به صورت انواری آفرید و شما را گرداگرد عرش خود قرار داد تا این که بر ما به سبب شما مَنّت نهاد و شما را در خانه‌هایی قرار داد که خداوند اجازه داده که عالی مقام باشند و نامش در آن‌ها یاد شود....

خداوند متعال، بر بشریت مَنّت گذارد؛ انوار قدسی ائمه علیهم‌السلام را در قالب جسم آفرید و به مردم این نعمت را عطا کرد که چنین بزرگواران و سرورانی میانشان در تردّد باشند و بینشان زندگی کنند. مَنّت دیگر این که خداوند، خانه‌های ایشان را رفعت داد و محلّ ذکر اسماء و یادآوری خویش ساخت، قدرشان را به ما شناساند و ما را به سوی مناجات و عبادت و عرض حاجت در آن‌ها رهنمون شد.

بحث زیارت در کتاب بحار الانوار

فَاَخْلَعَ نَعْلَيْكَ اِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى.^۱

آیه‌ی اوّل:
فاخلع نعليك...

پا برهنه شو! که تو در وادی مقدّس طوی قدم نهاده‌ای.

نخستین آیه‌ای که مرحوم علامه‌ی مجلسی در مبحث زیارت کتاب بحار الانوار، مطرح نموده، آیه‌ی فوق است. سپس در باره‌ی دلالت آیه‌ی شریفه می‌فرماید:

۱. طه / ۱۲. در تشرّف معتبری که با یک واسطه برای بنده (سید محمد بنی هاشمی) نقل شده، بانوی بزرگواری در مدینه‌ی منوره مشرف محضر امام عصر علیه‌السلام می‌شود. و پس از آن که حضرّش این بانو را در مسجد النبی زیارت می‌دهند، او را به سمت حریم بقیع رهنما می‌شوند. گزارش ایشان از رفتار امام زمان علیه‌السلام چنین است: «... در این هنگام از مسجد خارج شده و به سوی قبرستان بقیع رفتیم و در روز روشن و در مقابل شرطه‌های سخت‌گیر از آن در که همه وارد می‌شوند، پشت سر حضرت وارد قبرستان بقیع شدیم و یک راست، نزد قبور امام حسن، امام زین العابدین، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام رفتیم. ایشان با لحن فصیح عربی و با صدای حزین و جگرخراش، زیارت نامه خواندند و فرمودند: «زیارت نامه‌ای که حاج شیخ عبّاس قمی نقل کرده صحیح است»... لازم به ذکر است که قبل از رسیدن به حرم ائمه‌ی بقیع حضرت مهدی علیه‌السلام این آیه‌ی مبارکه را قرائت کردند «فاخلع نعليك» من هم کفش‌های خود را بیرون آوردم...»



...آیهی نخست، اشاره به [لزوم] اکرام روضه‌های مقدسه دارد و [نیز اشاره دارد به] پا برهنه شدن در آن‌ها [و] بلکه نزدیک آن‌ها. خصوصاً در طف (کربلای معلی) و غری (نجف اشرف)...^۱

بیان مرحوم
مجلسی در
اشاره‌ی آیه به
لزوم اکرام
اعتاب مقدسه

و پس از نقل آیهی دوم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ إِنَّ الَّذِينَ يُغْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ.^۲

آیهی دوم: یا
اینها الذين آمنوا
لا ترفعوا
اصواتکم...

ای کسانی که ایمان آوردید! صدایتان را بالاتر از صدای پیامبر نبرید و [صدای] گفتارتان را برابر او آشکار ننمایید - همانند بلند سخن گفتن بعضی هایتان برای بعضی دیگر - [چرا که این عمل] اعمال شما را نابود می‌کند در حالی که نمی‌دانید. به تحقیق آنانکه صدای خویش را نزد رسول خدا پایین می‌آورند، کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را به تقوا آزموده و برای آنان بخشایش پروردگار و اجری عظیم است.

در باره‌ی آن می‌فرماید:

آیهی دوم، بر لزوم پایین آوردن صدا و بلند نکردن آن - در زیارت و غیر زیارت - نزد قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلالت دارد؛ چنانکه روایت شده حرمت مؤمنان پس از مرگ، همانند احترام آنان در زمان حیاتشان است و [این حرمت گذاری] نزد قبور سایر ائمه علیهم السلام نیز [لازم است]؛ آن‌گونه که [در روایات] حرمت آنان همانند حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته شده است.^۳

بیان مرحوم
مجلسی در
مورد دلالت آیه
بر حفظ ادب و
پایین آوردن
صدا

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۵.

۲. حجرات / ۲ و ۳.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۵.



پیداست که رعایت این آداب، حکایتگر معرفت عمیق نسبت به مزور است. خشوع بنده وار در مقابل ائمه علیهم السلام، نشان دهنده‌ی آن است که زائر به خاک نشینی خود و والایی مقام سرورانش آگاه شده است و به دنبال آن است که پا، برهنه می‌کند و صدایش را از حدّ نجوا بالاتر نمی‌برد. یقیناً چنان معرفتی - به شرط قبولی زیارت - به بخشایش خدا و اجرای عظیم خواهد انجامید و سعادت زائر را رقم خواهد زد.

یکسانی حرمت و ثواب زیارت معصومین، در زمان مرگ و حیات

حال در پی آنیم که از دریای معرفت ائمه علیهم السلام قطره‌هایی برگیریم و به این که قرار است با چه کسانی ملاقات کنیم، آگاهی یابیم. در فرهنگ اعتقادی ما حرمت امام در حیات و ممات تفاوتی ندارد. از این جهت که حضور و شهود و حیات باطنی او، پس از رفع حیات ظاهری متقن و مسلّم است. بنابراین وقتی زائر رو به قبر امام می‌ایستد، گویی به لقاء خود او نائل شده است. امیر المؤمنین علیه السلام از قول نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌فرمایند که آن حضرت فرمودند:

مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَ كُنْتُ لَهُ
شَهِيداً وَ شَافِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱

هر که مرا بعد از مرگم زیارت کند، همانند کسی است که در حال حیاتم زیارت کرده باشد و در روز قیامت، من گواه و شفیع او خواهم بود.

تعبیر مبارک نبوی که فرموده‌اند: «من زارنی بعد مماتی» به خوبی

زیارت
معصومین در
هنگام مرگ،
حکم زیارت
ایشان در هنگام
حیاتشان را دارد.

۱. کامل الزیارات، باب ۲، ج ۱۲.

به همین سیاق، روایتی از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: من زارنا فی مماتنا فکأنما زارنا فی حیاتنا. (بحار الانوار ج ۱۰۰، ص ۱۲۴، به نقل از مزار کبیر) هر که ما (اهل بیت) را پس از مرگمان زیارت کند، همچون کسی است که در زمان حیات ما زیارتمان نماید.

مطلب را به ما می‌رساند، روشن است که پس از وفات پیامبر اکرم، امکان زیارت جسم مطهر ایشان برای افراد وجود ندارد و آن چه برای زوّار مشتاق ایشان میسور است، زیارت مرقد شریفشان می‌باشد. به تصریح خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، کسی که ایشان را پس از وفاتشان دیدار می‌کند، همانندی با کسی دارد که ایشان را در زمان حیاتشان زیارت کرده است. شبیه این حدیث، کراراً در منابع اهل سنت آمده^۱ و خود گواهی است بر این نکته که شرک شمردن و حرام دانستن زیارت، با متن سنت نبوی معارض است؛ سنتی که روایات آن در کتب غیر شیعه فراوان نقل گردیده است.

زیارت امام
شهید، زیارت
قبر اوست.

ذکر این گونه
احادیث در
مدارک اهل
سنت

مشابه همین حدیث را امام سجّاد علیه السلام از قول جدّ بزرگوارشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کنند:

مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَابْعَثُوا إِلَيَّ السَّلَامَ فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي.^۲

زیارت مرقد
پیامبر، همانند
هجرت به سوی
ایشان در وقت
حیاتشان

هر که قبر مرا پس از مرگم زیارت کند، همچون کسی است که در زمان حیاتم به سوی من هجرت نماید. پس اگر نتوانستید [به زیارتم بیایید] به سوی من درود فرستید که به من خواهد رسید.

در این حدیث شریف، صراحتاً از زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سخن رفته و پاداش آن برابر هجرت به سوی پیامبر قرار داده شده؛ که خود مقامی عالی است و زیبا آن که اگر توانایی سفر و حضور در روضه نبوی نباشد، می‌توان با درود فرستادن از دور به آن درانه‌ی آفرینش، ابراز ارادت نمود و باید دانست که این سلام صمیمانه به

۱. شبیه این حدیث در جلد پنجم العذیر ص ۱۰۱ از سیزده منبع اهل سنت نقل شده و احادیث دیگری با مضمون مشابه نیز از مدارک عامّه آورده شده است. به عنوان نمونه: السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۴۵، کنز العمال، ج ۵، ص ۱۳۵.
۲. کامل الزیارات، باب ۲، ح ۱۷.



ایشان می‌رسد و توجّه آن بشیر رحمت را متوجّه‌مان می‌کند.

در مدینه‌ی منوره، علاوه بر حریم محمّدی، خانه‌هایی دیگر از بیوت انبیا را در بقیع می‌توان جست. در این قبرستان شریف، حرم مقدّس چهار امام معصوم ما قرار دارد و نخستین مظلوم از اهل بیت پیامبر که در آن دفن گردیده، سبط اکبر، حضرت امام حسن مجتبی‌علیه‌السلام است. در جریان تدفین این امام غریب - که توسط امام باقرعلیه‌السلام نقل گردیده - از رویارویی سیدالشهداءعلیه‌السلام با عایشه سخن رفته است. در این برخورد، عایشه به گمان این که قصد دفن امام حسنعلیه‌السلام در کنار پیغمبر اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در میان است، در مسجد پیامبر حاضر می‌شود و به بحث و جدل با سیدالشهداءعلیه‌السلام می‌پردازد. ایشان در مقام احتجاج با عایشه، مطالبی را فرموده‌اند که شاهد بحث ما در زمینه‌ی عدم تفاوت حرمت امامعلیه‌السلام در زمان حیات و پس از مرگ است. همچنین سیدالشهداءعلیه‌السلام در این زمینه از آیاتی که ذکر آن رفت، سود جستند:

و اکنون روایت شریف امام باقرعلیه‌السلام:

«وقتی حسن بن علیعلیه‌السلام در بستر احتضار افتاده بود، به برادرش امام حسینعلیه‌السلام فرمود:

برادر! تو را وصیتی می‌کنم، آن را حفظ کن: آنگاه که از دنیا رفتیم مرا تجهیز و غسل و کفن نما و به جانب [جَدّمان] رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ببر تا با او عهدی تازه کنیم. آنگاه مرا نزد مادرم فاطمهعلیه‌السلام حرکت بده و پس از آن بازم گردان و در بقیع به خاکم بسپار.

سپس فرمود:

بدان آن عداوتی که عایشه با خدا و رسولش و ما اهل بیت دارد، به من نیز خواهد رسید.

وقتی روح مبارک ایشان از بدن مفارقت کرد، پیکر مقدّسشان را بر تختی قرار دادند و به محلی بردند که پیامبر اکرم به جنازه‌ها نماز می‌گزارند. بر آن حضرت نماز خوانده شد و پس از آن بدن ایشان را

جریان تدفین
امام مجتبی‌علیه‌السلام
و احتجاج
سیدالشهداءعلیه‌السلام
با عایشه

وصیت امام
حسنعلیه‌السلام به
برادر

مظلومیت امام
حسنعلیه‌السلام



وارد مسجد النبی کردند. وقتی ایشان را کنار قبر پیامبر خدا قرار دادند، خبر به عایشه رسید. سوار بر چارپای زین داری شد (او اولین زنی بود که در اسلام بر زین سوار شد) و خود را به آنجا رساند، ایستاد و گفت: «پسرتان را از خانه‌ی من دور کنید! چرا که نباید چیزی در اینجا دفن شود و حجاب رسول خدا نباید هتک گردد.» اینجا بود که امام حسین (علیه السلام) مقابل او قرار گرفتند و عتاب گونه فرمودند:

هتک شدن
حرمت نبی
اکرم، پیش از
دفن امام
حسین (علیه السلام)

قَدِيمًا هَتَكْتَ أَنْتِ وَأَبُوكَ حِجَابَ رَسُولِ اللَّهِ وَأَدْخَلْتِ بَيْتَهُ
مَنْ لَا يُحِبُّ رَسُولَ اللَّهِ قُرْبَهُ وَإِنَّ اللَّهَ سَائِلُكَ عَنْ ذَلِكَ.

پیش از این تو و پدرت حجاب [و حرمت] رسول خدا را دریدید و تو در خانه‌ی او کسی را داخل کردی که رسول خدا نزدیک شدن او را دوست نمی‌دارد^۱ و خداوند از تو در این باره بازخواست خواهد کرد. (تو برای این کارت در پیشگاه خدا مسؤولی).

وارد شدن
کسانی به حریم
پیامبر، که
خوشایند آن
حضرت نبوده
است.

سپس فرمودند:

ای عایشه! برادرم امر فرموده بود او را نزدیک پدرش رسول الله (صلی الله علیه و آله) ببرم تا با او پیمان خویش، نو کند و بدان برادر من، داناترین مردم است به خدا و رسولش و آشناترین آنهاست به تأویل کتاب؛ از این که بداند نباید نسبت به رسول خدا پرده‌ری کند. زیرا که خدای تبارک و تعالی فرمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بَيْتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ.^۲
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌های پیامبر وارد نشوید، مگر این که به شما اجازه داده شود.

امام مجتبی (علیه السلام)
داناترین مردم
به تأویل کتاب

و تو بدون اجازه‌ی پیامبر، کسانی را وارد خانه‌ی رسول خدا کردی [و فرمان خدا را زیر پا نهادی] و خداوند فرمود:

۱. این عبارت سیدالشهداء (علیه السلام) اشاره به دفن ابوبکر در جوار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دارد.

۲. احزاب / ۵۳.



بلند نمودن صدا
در محضر
پیامبر اکرم ﷺ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ^۱.

ای ایمان آورندگان! صداهایتان را بالاتر از صدای پیامبر نبرید.
و قسم به جانم که تو برای پدرت و فاروقش^۲ کنار گوش پیامبر
کلنگ زدی [و امر خدا را نقض کردی] در حالی که خداوند فرموده
بود:

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى^۳.

اولی و دومی
پیامبر را آزرده.

بدرستی آنانی که صدایشان را نزد پیامبر فرو می‌آورند، همان
کسانی هستند که خدا قلوبشان را به تقوی آزمونده است.
و سوگند به جانم که پدرت و فاروقش، به واسطه‌ی نزدیکی [مدفن]
شان با پیامبر، او را آزرده و از حق پیامبر ﷺ آن چه را که خدا به
زبان رسولش امر فرموده بود رعایت نکردند:

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَمْوَاتًا مَا حَرَّمَ مِنْهُمْ أَحْيَاءَ.

حرمت مؤمن
زنده و مرده
یکسان است.

۱. حجرات / ۲.

۲. لازم به ذکر است که لقب فاروق در اصل، اختصاص به امیرالمؤمنین (ع) دارد و احادیث
مبیّن این مطلب در مدارک اهل سنت نیز موجود است. به عنوان نمونه از پیامبر اکرم نقل شده است
که فرمودند:

«ستكون فتنة فاذا كان ذلك فالزموا علي بن ابي طالب فإنه أول من يراني و يصافحني يوم
القيامة و هو الصديق الأكبر و هو فاروق هذه الأمة يفرق بين الحق و الباطل
(كنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۵)

فتنه‌ای پیش خواهد آمد که در آن هنگام باید به علی بن ابی طالب پناه برید. او نخستین کسی
است که در قیامت مرا می‌بیند و دست مرا می‌فشارد و او صدیق اکبر و فاروق این امت است که جدا
کننده‌ی حق از باطل می‌باشد.»

این لقب پس از پیامبر اکرم همچون برخی القاب دیگر به غصب اشقیا در آمد. در اینجا
سیدالشهداء با تعبیر «فاروق پدرت» به کنایه می‌فرمایند: که وی (دومی) برای پدرت فاروق بود نه
این که پیامبر ﷺ فاروقش نامیده باشند.

۳. حجرات / ۳.



خدا هر آن چه را نسبت به مؤمنان زنده حرام کرده در مورد مردگان نشان نیز حرام نموده است.

سپس رو به عایشه فرمودند:

و تَاللّٰهِ يَا عَائِشَةُ لَوْ كَانَ هَذَا الَّذِي كَرِهْتِهِ مِنْ دَفْنِ الْحَسَنِ عِنْدَ أَبِيهِ - رسول الله ﷺ - جَائِزًا فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ لَعَلِمْتَ أَنَّهُ سَيُدْفَنُ.^۱

امر خدا این نبود که برادرم در مسجد النبی دفن شود.

و به خدا قسم، ای عایشه! اگر خدا این اجازه را به ما داده بود که علی رغم کراهت تو در مورد دفن حسن علی علیه السلام نزد پدرش - رسول خدا ﷺ - عمل کنیم، هر آینه می دیدی که برادرم [همین جا] دفن می شد.

دلالت آیه ی «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ...» بر آن است که نباید نزد پیامبر صدایتان بلند شود؛ اما افزون بر این، سید الشهداء علیه السلام حتی صدای به زمین خوردن کلنگ - بی اجازه ی پیامبر و در مسجد ایشان - را مصداق هتک حرمت و پشت کردن به این فرمان الهی می دانند و دلالت آیه را با ظرافت بیشتری مطرح می کنند. به علاوه حضرتش تصریح می فرمایند که به حکم خدا هر آن چه احترام برای مؤمن زنده هست، همان قدر برای مؤمن از دنیا رفته باید نگاه داشت. وقتی مؤمن از دنیا رخت بر می بندد، جنازه اش - به همان اندازه که خودش احترام داشته - محترم است. پس از دفن نیز قبر او حرمت دارد و کسی اجازه ندارد که به آرامگاه مؤمنی بی احترامی کند.^۲

حتی صدای کلنگ، مصداق هتک حرمت

حرمت شکنی مؤمن پس از مرگ نیز ممنوع است.

این قاعده که در مورد مؤمنان به طور کلی مطرح است، مسلماً در

۱. اصول کافی، کتاب الحجّة، باب الاشارة والنص علی الحسین بن علی علیه السلام ح ۳.

۲. مرحوم صاحب عروة در بیان مکروهات دفن به این موارد اشاره می کنند: نشستن بر قبر، بول و غائط در مقابر، خندیدن در مقابر، نجس و کثیف کردن قبور - آن گونه که موجب هتک حرمت مرده گردد - و راه رفتن غیر ضروری بر قبر (العروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۲۸)

مورد معصومین - که در رأس اهل ایمان هستند - نیز به طریق اولی جاری می‌شود. لذا در پاسداشت حرمت و تکریم و ادب، میان مرده و زنده‌ی آنان تفاوتی نیست.

نشانه‌های عظمت بیوت پیامبر (قبور معصومین)

یکی از نشانه‌های مهم رفعت و عظمت حضرات ائمه و مشاهد مشرفه‌ی ایشان، آن است که این قبور مطهر محل صعود و نزول ملائک الهی است و شب و روز فرشتگان پس از گشتن به دور بیت الله الحرام، دورادور این خانه‌های پیامبر، مشغول عرض سلام به صاحبان آن‌اند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند:

طواف ملائک به
دور خانه‌ی خدا
و سلامشان به
اهل بیت (علیهم السلام)

خداوند آفریده‌هایی بیش از ملائک خلق نکرد؛ هر شامگاه هفتاد هزار ملک از آسمان فرود می‌آیند و سراسر شب، خانه‌ی خدا را طواف می‌کنند، هنگام طلوع فجر (اذان صبح) بسوی قبر نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌آیند و به او سلام می‌دهند، پس از آن بر قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد می‌شوند و او را سلام می‌گویند، بعد به [سوی] قبر حسن [بن علی] (علیه السلام) رهسپار می‌شوند و بر ایشان درود می‌فرستند، سپس راهی قبر حسین (علیه السلام) می‌گردند و به او عرض سلام می‌کنند و پیش از آن که سپیده بدمد به آسمان باز می‌گردند. سپس هفتاد هزار فرشته‌ی روز نازل می‌شوند و [تمام] روز را تا هنگام نزدیک شدن خورشید به غروب به دور بیت الله می‌گردند، آنگاه نزدیکی‌های غروب خورشید رو به قبر پیامبر اکرم می‌آیند و ایشان را تحیت می‌دهند، پس از آن در [جوار] قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) قرار می‌گیرند و ایشان را سلام می‌گویند، سپس بر قبر امام حسن (علیه السلام) وارد می‌شوند و بر ایشان درود می‌فرستند [و] بعد به نزد قبر امام حسین (علیه السلام) می‌آیند و سلامشان می‌کنند، سپس پیش از غروب خورشید به سوی آسمان باز می‌گردند.^۱

۱. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۹۶: ما خلق الله خلقاً أكثر من الملائكة وإنه ينزل من



حدیث شریف به وضوح نشان می‌دهد که ملائک برای طواف کعبه و زیارت قبور اهل بیت علیهم‌السلام از سوی خدا مأموریت دارند. این روال هر روز برقرار است و این مکانهای شریف هیچگاه از نفس فرشتگان خالی نیست؛ فرشتگانی که دائماً به ذکر خدا و سلام بر این بزرگواران مشغولند. با این که خانه‌ی خدا - که نخستین مطاف این دو گروه هفتاد هزار نفری از ملائک است - شرافتی خاص دارد و شب و روز، نزول فرشتگان عرش نشین را بر خود نظاره می‌کند، اما شرافت سیدالشهداء بسی بیش از آن می‌باشد و کیفیت و کمیت حضور فرشتگان نزد ایشان افزون و متفاوت از کعبه است.

مأموریت ملائک
برای زیارت اهل
بیت و طواف
کعبه از سوی
خداوند

امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی عظمت امام حسین علیه‌السلام چنین می‌فرماید:

أَمَّا عَلِمْتُ أَنَّ الْبَيْتَ يَطُوفُ بِهِ كُلُّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُم اللَّيْلُ صَعَدُوا وَ نَزَلَ غَيْرُهُمْ فَطَافُوا بِالْبَيْتِ حَتَّى الصَّبَاحِ وَإِنَّ الْحُسَيْنَ لَأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْبَيْتِ وَإِنَّهُ فِي وَفَتْ كُلِّ صَلَاةٍ لَيَنْزِلُ عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، شُعْتُ غَيْرَ لَا تَقَعُ [عَلَيْهِمْ] النَّوْبَةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۱

امام حسین علیه‌السلام
شریف‌تر از
بیت‌الله

آیا نمی‌دانی که هفتاد هزار ملک هر روز خانه [ی خدا] را طواف

﴿السَّمَاءُ كُلُّ مَسَاءٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ لَيْلَتَهُمْ حَتَّى إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ انْصَرَفُوا إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ ثُمَّ يَأْتُونَ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فَيَسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَأْتُونَ قَبْرَ الْحَسَنِ ﷺ فَيَسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَأْتُونَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ﷺ فَيَسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَرْجِعُونَ إِلَى السَّمَاءِ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ تَنْزِلُ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَيَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ الْحَرَامِ نَهَارَهُمْ حَتَّى إِذَا دُنْتُ الشَّمْسُ لِلْغُرُوبِ انْصَرَفُوا إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَيَسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَأْتُونَ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فَيَسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَأْتُونَ قَبْرَ الْحَسَنِ ﷺ فَيَسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَأْتُونَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ﷺ فَيَسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَعُودُونَ إِلَى السَّمَاءِ قَبْلَ أَنْ تَغْرِبَ الشَّمْسُ.﴾

۱. بحارالانوار ج ۱۰۱، ص ۴۰، به نقل از کامل‌الزیارات. [علیهم] اختلاف نقل وسایل‌الشیعه در این روایت با بحارالانوار است، ضمن آن که عبارات پیش از «وَأَنَّ الْحُسَيْنَ...» در ضبط وسایل‌الشیعه، به صورت «إِلَى أَنْ قَالَ» خلاصه شده است. (وسایل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۴)



می‌کنند تا این‌که در هنگام شب بالا می‌روند [باز می‌گردند] و گروه دیگر از آن‌ها نازل می‌شوند و تا صبح بیت الله را طواف می‌کنند؟ و [اما] امام حسین (علیه السلام) نزد خداوند، گرامی‌تر [و شریف‌تر] از بیت است [آن‌گونه که] در وقت هر نمازی، هفتاد هزار ملک اندوهناک و غبارآلوده بر او فرو می‌آیند و تا روز قیامت دوباره نوبت [به آن‌ها] نمی‌رسد.

ملائک اندوهگین و غبار گرفته، برای زیارت قبر سیدالشهداء نوبت گرفته‌اند و آن قدر تعدادشان فراوان است که به هر ملکی در میان این خیل بیشمار، تا روز قیامت تنها یکبار نوبت می‌رسد که به زیارت و آستان بوسی سیدالشهداء مشرف شود.

فرشتگان، خادمان و ملازمان معصومین اند و به حفظ و حمایت آنان اقدام می‌کنند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در باره‌ی دخت بی‌همتایشان - حضرت صدیقه (علیها السلام) - فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَكَّلَ بِفَاطِمَةَ رَعِيلاً مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَحْفَظُونَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَ مِنْ خَلْفِهَا وَ عَنْ يَمِينِهَا وَ عَنْ يَسَارِهَا وَ هُمْ مَعَهَا فِي حَيَاتِهَا وَ عِنْدَ قَبْرِهَا بَعْدَ مَوْتِهَا يُكْثِرُونَ الصَّلَاةَ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِیْهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا.^۱

خداوند گروه کثیری از ملائک را موکل فاطمه (علیها السلام) قرار داده است که در کار محافظت اویند؛ از پیش رو و پشت سرش و راست و چپش. و اینان در زمان حیات با او و پس از مرگش نزد قبر اویند و بسیار بر او، پدر، شوهر و پسرانش درود می‌فرستند.

سپس فرمودند:

هر کس مرا پس از وفاتم زیارت کند، گویا فاطمه (علیها السلام) را زیارت کرده

ملائک در پی
محافظت و درود
بر حضرت
صدیقه (علیها السلام)

همانندی زیارت
اهل بیت با
یکدیگر

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۲ و ۱۲۳، به نقل از بشارة المصطفی لشعبة المریضی.